

## تحلیل مضمون مفاهیم ارتباطات و توسعه در مفاد برنامه‌های چهارم و پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران

علی اصغر کیا<sup>1</sup>، مهدی فقیهی نژاد<sup>2</sup>

### چکیده

در نگاه توسعه پایدار و جامعه اطلاعاتی حاصل از آن، قواعد برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری توسعه در جهان تغییر کرده و تحت تأثیر متغیرهای ارتباطات، فرصت‌های فراوانی برای پیشرفت کشورهای ایجاد شده است که در مراحل آغازین توسعه بوده‌اند. بر این اساس، نگاه بنیادین به ارتباطات در سطح کلان برنامه‌های توسعه بسیار ضروری است. این امر نیازمند تحلیل و آسیب‌شناسی برنامه‌های پیشین و ارزیابی نقاط قوت و ضعف آن‌هاست. این مقاله در پی آن است تا با رویکرد تحلیل مضمون، مواد ارتباطی برنامه چهارم و پنجم توسعه را تحلیل کند و به مضامین سازمان‌دهنده و فراگیر که در بطن برنامه قرار داده شده است، دسترسی یابد. نتایج نشان می‌دهند در دو برنامه فوق به ابعاد فنی و کمی ارتباطات بیشتر پرداخته شده است و جنبه‌های کیفی و محتوایی آن همچون آینده‌پژوهی، سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، رسانه‌های نوین، شبکه‌های اجتماعی، زندگی مجازی، آزادی کسب و انتشار اطلاعات و نیز حرکت به سمت جامعه دانایی‌محور، کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند. با توجه به این یافته‌ها، مقاله حاضر می‌کوشد با نگاه انتقادی قدمی در راستای تبیین نقش ارتباطات در تدوین برنامه‌های توسعه بردارد تا در برنامه‌ریزی‌های جدید با نگاه به درون کشور و براساس شاخص‌های هویت ایرانی اسلامی توجه بنیادی‌تری به برنامه‌ریزی ارتباطات صورت گیرد.

**واژگان کلیدی:** ارتباطات، توسعه، برنامه چهارم و پنجم توسعه، تحلیل مضمون.

1. استاد ارتباطات دانشگاه علامه طباطبائی / aliasgharkia@yahoo.com

2. دانش‌آموخته دکتری ارتباطات دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول) / faghihi\_nejad@yahoo.com

## 1. مقدمه و بیان مسئله

اصطلاح توسعه یکی از فراگیرترین موضوعات جوامع بشری است. بخشی از این مسئله به دلیل ضرورت پیشرفت و تحول و حساسیت نسبت به بازماندن از قافله روندهای جهانی است، و بخشی نیز به دلیل موضوعات مشترکی است که بخش عمده‌ای از جوامع درگیر آن هستند. در جامعه جهانی، در عصر رسانه‌ها زندگی می‌کنیم؛ عصری که در آن رسانه‌ها جزء جدایی‌ناپذیر زندگی ما هستند. هرکدام از رسانه‌ها به اقتضای ذات خود با برگزیدن سیاست‌های متفاوت ارتباطی، توسعه کشورها را آسان‌تر می‌کنند و بدان سرعت می‌بخشند. بی‌شک تأثیر رسانه‌ها در همه ابعاد زندگی اجتماعی و فرهنگی جوامع بشری انکارناپذیر است. امروزه کشوری توسعه‌یافته انگاشته می‌شود که بتواند در کنار توسعه شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی مانند درآمد سرانه، توزیع ناخالص ملی و نرخ مرگ‌ومیر، معیارهای جامعه اطلاعاتی و در حقیقت گسترش دانایی را دنبال کند. در چنین جامعه‌ای، رسانه‌ها با تولید و توزیع مطلوب اطلاعات، نقش مهمی در بالابردن آگاهی‌های گوناگون و ضروری به عهده می‌گیرند، جامعه را در نیل به توسعه و ترقی همه‌جانبه یاری می‌کنند، با گسترش آفرینندگی و افزایش رشد فرهنگی به توسعه همه‌جانبه کشور کمک می‌کنند و سبب پویایی افکار می‌شوند.

تا پیش از آغاز انقلاب صنعتی، برنامه‌ریزی اجتماعی موضوعیت چندانی نداشت و حکومت‌ها حداکثر خود را موظف به حفظ مرزهای کشور، امنیت داخلی و گاه کمک‌رسانی در حوادث بزرگی مانند سیل، زلزله و قحطی می‌دانستند، اما با پیدایش کارخانه‌ها و سرمایه‌گذاری‌های بزرگ و تمرکز فعالیت‌های اقتصادی، «رشد» و در پی آن برنامه‌ریزی رشد موضوعیت یافت، اما این مفهوم طی دو قرن اخیر تغییر زیادی یافت. ابتدا رشد کمی و سپس انواع رشد کیفی طرح شد و تعاریف، شاخص‌ها و برنامه‌ریزی آن مدام تکامل یافت. آنچه امروزه تقریباً در تمامی کشورها پذیرفته و اجرا می‌شود «توسعه» و برنامه‌ریزی آن با تعاریف، شاخص‌ها و قراردادهای خاص است. در کشور ما نیز برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به مجموعه برنامه‌های میان‌مدتی گفته می‌شود که به‌صورت پنج‌ساله و توسط دولت وقت تنظیم می‌شود و به تصویب مجلس شورای اسلامی می‌رسد. پس از انقلاب، در هشت سال جنگ ایران و عراق امکان اجرای برنامه‌های توسعه کشور از بین

رفت، و نخستین برنامه در سال 1368 مصوب شد. تدوین الگو و برنامه توسعه یکی از اساسی‌ترین گام‌ها در مسیر مشخص شدن مسیر توسعه و پیشرفت یک کشور است، زیرا می‌تواند راهنمای عملی نظام اجرایی و اداری باشد.

با نگاهی ساده می‌توان گفت، نظام برنامه‌ریزی در ایران شامل دولت به‌عنوان نهاد برنامه‌ریز و مجری، و مجلس شورای اسلامی به‌عنوان مرجع تصویب برنامه است. البته دولت ضمن اجرا، نقش نظارت داخلی بر اجرای برنامه توسط بخش‌های زیرمجموعه خود را نیز دارد و مجلس نیز هم‌زمان پس از تصویب، نقش ناظر اصلی بر آن را دارد. از سوی دیگر، مجمع تشخیص مصلحت نظام سیاست‌های کلی برنامه را تعیین کرده و برای تأیید و ابلاغ به دولت، آن را به رهبری ارائه می‌کند. بر این اساس، نظام برنامه‌ریزی در ایران نظامی تعاملی است که شامل قوه مجریه، قوه مقننه و سایر دستگاه‌های حاکمیتی است.

در این مقاله در نظر داریم با نگاهی به برنامه توسعه چهارم (1388-1384) و پنجم (1394-1390) جمهوری اسلامی ایران پس از بررسی و برشماری بخش‌های ارتباطی این برنامه‌ها، از طریق مطالعه کتابخانه‌ای، بررسی‌های اسنادی و تحلیل محتوای تماتیک (مضمونی)، به توصیف و تبیین نقش ارتباطات پردازیم و سپس با نگاه تطبیقی این نقش را مقایسه، تبیین و دسته‌بندی کنیم.

## 2. اهداف و پرسش‌های پژوهش

نگاهی به نقش دولت‌ها در برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌ها در دهه‌های گذشته نشان می‌دهد، معمولاً برنامه‌هایی را که خود دولت‌ها تدوین کرده‌اند و در صورتی که به اصول کلی برنامه مصوب شده از منظر فکری نزدیک باشند، شانس بیشتری برای اجرا و موفقیت دارند. برنامه چهارم و پنجم توسعه اولین و دومین برنامه پس از ابلاغ سند چشم‌انداز بیست‌ساله کشور است. از آنجاکه یکی از وظایف دانشگاه پاسخ به مسائل و نیازهای کشور در حوزه نظری و پژوهشی است، این تحقیق به سهم خود می‌کوشد با نگاه انتقادی قدمی در راستای تبیین نقش ارتباطات در تدوین برنامه‌های توسعه بردارد تا در برنامه‌ریزی‌های جدید با نگاه به درون کشور و براساس شاخص‌های هویت ایرانی اسلامی، توجه صحیح‌تر و بنیادی‌تری به برنامه‌ریزی و سامان‌دهی نقش ارتباطات صورت گیرد و ضمن تبیین نقش و جایگاه ارتباطات به تفکیک برنامه‌ها، تشریح تفاوت‌ها و شباهت‌های جایگاه ارتباطات در این

برنامه‌ها، به بررسی میزان حضور ارتباطات در برنامه‌ها و تبیین نقش‌های آن می‌پردازد. پرسش اصلی این مقاله این است که چه نسبتی بین ارتباطات و توسعه در برنامه‌های توسعه چهارم و پنجم کشور وجود دارد؟ هرکدام از برنامه‌ها شامل چه مضامین کلیدی، سازمان‌دهنده و کلانی هستند؟ چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی در این برنامه‌ها درباره جایگاه ارتباطات وجود دارد؟

### 3. پیشینه تحقیق

شاه‌قاسمی، فرقانی و خانیکی (1395) در مقاله «مطالعه رویکرد برنامه‌های توسعه در ایران به ارتباطات» در پی این مطلب هستند که حرکت به سمت اهداف «سند چشم‌انداز 1404» نیازمند درک الزام‌ها برای تدوین برنامه‌های مناسب به‌منظور دستیابی به اهداف مطلوب در توسعه است. با آغاز عصر اطلاعات، قواعد سیاست‌گذاری توسعه به‌شدت در جهان تغییر کرده است و تحت تأثیر متغیرهای ارتباطات، فرصت‌های بی‌بدیلی برای جهش کشورهایی که در مراحل آغازین توسعه بوده‌اند، فراهم شده است. بر این اساس، توجه به بُعد ارتباطات در سطح کلان و در برنامه‌های توسعه سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشور، بسیار مهم و ضروری است. این امر نیازمند بازنگری برنامه‌های پیشین و آسیب‌شناسی آن‌ها و ارزیابی نقاط قوت و ضعف برنامه‌ها برای تدوین برنامه‌های جامع‌تر آینده است. پرسش اصلی تحقیق این است که پس از انقلاب، رویکرد برنامه‌های توسعه به بخش ارتباطات چگونه بوده است؟ کدامیک از ابعاد ارتباطات مورد توجه و چه جنبه‌هایی مورد غفلت قرار گرفته است؟

خانیکی و شاه‌قاسمی (1394) در مقاله «تحول مفهومی «ارتباطات» و «توسعه» در برنامه‌های توسعه ایران؛ مطالعه موردی آخرین برنامه توسعه نظام گذشته (1355) و نخستین برنامه توسعه سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران (1383)» در پی بیان این مطلب هستند که تحول گفتمانی مبانی، متغیرها و عوامل تأثیرگذار در توسعه، تحول مفهومی در نسبت میان ارتباطات و توسعه را به دنبال داشته است، به‌طوری‌که آثار آن در اسناد برنامه‌ریزی‌های توسعه نیز به چشم می‌خورد.

مطالعه تطبیقی ارتباطات در برنامه ششم توسعه (1355) که آخرین برنامه توسعه نظام گذشته است و برنامه چهارم توسعه (1383) که نخستین برنامه براساس سند چشم‌انداز بیست‌ساله توسعه جمهوری اسلامی ایران است، مشابهت‌ها و تفاوت‌های تاریخی را در برداشت از دو مفهوم توسعه و

ارتباطات نشان می‌دهد. برنامه ششم پیشین به ابعاد اطلاعاتی و ارتباطی برنامه‌ریزی توسعه ملی بر پایه گذار از جامعه سنتی به جامعه اطلاعاتی پرداخته است، و مأموریت برنامه چهارم جدید، رشد پایدار اقتصادی دانایی محور بر پایه اهداف چشم‌انداز بیست‌ساله کشور تعریف شده است. این مقاله با تحلیل محتوای مستندهای نظری دو برنامه، به توصیف و تحلیل مفهوم ارتباطات و توسعه در آنها می‌پردازد. براساس این پژوهش، در برنامه ششم نظام پیشین، توسعه ملی به‌عنوان هدف توسعه‌ای و گذار از جامعه سنتی به جامعه اطلاعاتی، مسئله ارتباطات کشور است. این دو مضمون در برنامه چهارم با هدف رشد پایدار اقتصادی در توسعه و جامعه دانایی محور در ارتباطات دنبال شده‌اند.

#### 4. تعریف مفاهیم

##### 4-1. توسعه

مفهوم توسعه نخستین بار در علم اقتصاد توسط «آدام اسمیت» در کتاب ثروت ملل در قرن هجدهم مطرح شد (تودارو، 1370: 39). نخستین تلاش‌های فکری در این زمینه، توسعه را معادل رشد اقتصادی می‌دانست. رشد اقتصادی مفهومی کمی است که با شاخص درآمد ملی یا تولید ملی تعریف می‌شود. این دیدگاه بر تراکم سرمایه به‌عنوان مهم‌ترین عامل رشد اقتصادی در کنار سایر عوامل تولید چون نیروی انسانی، منابع طبیعی و غیره تأکید می‌کند. بخش بزرگی از ادبیات توسعه مربوط به دهه نخستین پس از پایان جنگ دوم جهانی، با هدف قرار دادن رشد اقتصادی، به تشریح و تبیین علل و عوامل رشد پرداخته‌اند (جرالد، 1368: 17).

دانشمندان علوم اجتماعی تعاریف متعددی از توسعه ارائه کرده‌اند. از نظر تودارو، «توسعه را باید جریانی چندبُعدی دانست که نیازمند تغییرات اساسی در ساخت اجتماعی، طرز تلقی عامه مردم و نهادهای ملی و نیز تسریع رشد اقتصادی، کاهش نابرابری و ریشه‌کن کردن فقر مطلق است» (تودارو، 1370). از دیدگاهی دیگر، توسعه به معنای ارتقای مستمر کل جامعه و نظام اجتماعی به سوی زندگی بهتر یا انسانی‌تر است که برای درک معنای درونی آن باید حداقل سه ارزش اصلی به‌عنوان پایه فکری و رهنمود عملی در نظر گرفته شود. این ارزش‌های اصلی عبارتند از: معاش زندگی، اعتمادبه‌نفس و آزادی که نمایانگر هدف‌های مشترکی است که به‌وسیله تمام افراد و جوامع دنبال می‌شود (نونژاد، 1381: 3).

باین حال، در ادبیات نوین برخلاف پارادایم گذشته که از «توسعه اشیا» بحث می‌شد، از «توسعه انسان»، «شکوفایی انسان»، «عزت نفس» و «آزادی» حمایت می‌شود. این رویکرد انسان‌مدار و آزادی‌خواهانه توسعه در نوشته آمارتیا سن کمال می‌یابد. وی توسعه را فرایند گسترش آزادی واقعی می‌داند و آن را معادل هدف و ابزار آزادی برمی‌شمارد (سن، 1382: 23). از اواخر دهه 1980 به بعد، ادبیات انتقادی کاملاً متضادی در عرصه توسعه ایجاد شد و مفاهیم خلق‌شده کاملاً متأثر از حوزه فرهنگ و سنت‌های پایدار ملت‌ها شکل گرفت که مفاهیم «پایان توسعه» (زاکس، 1377)، «عصر پساتوسعه» و «توهم توسعه» (استوا، 1377) از این جمله هستند. این عبارات‌ها و مفاهیم، شکل‌گیری عصری بدون الگو و غیرغرب‌گرا در تاریخ توسعه را نوید می‌دادند. در واقع این مفاهیم در پی آنند که توسعه را به فرهنگ و الگوهای بومی مرتبط کنند؛ بنابراین توسعه شکلی از تحقق ظرفیت‌های انسانی به حساب می‌آید که خواسته‌ها و نیت فرهنگی دارد (عنبری، 1390: 17). در همین راستا، گولت<sup>1</sup> نیز توسعه را شمشیری دولبه می‌داند که هم‌زمان با تولید منافع، زیان‌هایی نیز به همراه دارد و سبب تعارض ارزش‌ها می‌شود (گولت، 1377). هر تعریفی از توسعه، مبتنی بر ارزشی خاص و آمیخته با اغراض و نیت فرهنگی و حتی سیاسی است و برای تعریف آن نمی‌توان به توافقی جهان‌شمول دست یافت (الوانی، 1389: 12).

#### 2-4. ارتباط

تاریخ اندیشه‌های ارتباطاتی تعاریف گوناگون و مختلفی را از سوی صاحب‌نظران، پژوهشگران و نویسندگان ارتباطات در خود جای داده است و هریک از اندیشمندان با توجه به زاویه دید و اهمیتی که برای عناصر ارتباطات قائل هستند، آن را تعریف کرده‌اند. برخی ارتباط را جریانی دانسته‌اند که «طی آن دو نفر یا بیشتر به تبادل افکار، نظرات، احساسات و عقاید خود مبادرت می‌ورزند» (ساروخانی، 1367: 6) که مسئله «اشتراک فکر و هماهنگی» در آن اهمیت دارد و از طریق «نمادها» صورت می‌پذیرد (همان: 7). در تعاریف دیگر، بر «آگاهانه‌بودن» ارتباط تأکید و بیان می‌شود «ارتباط بر مشارکت در معلومات و تصورات ذهنی و عقاید استوار است» (رهبر، 1371: 141). همچنین در تعاریف ارتباط، بر «هدف پیوسته برای دریافت آگاهی بیشتر» (دادگران، 1374: 17)

#### 1. Goult

سال ششم، شماره یازدهم، بهار و تابستان 1397

و «مشابهت دریافت پیام» نیز تأکید شده و حتی شرط تحقق ارتباط تلقی می‌شود: «ارتباط عبارت است از فراگرد انتقال پیام از سوی فرستنده برای گیرنده؛ مشروط بر آنکه در گیرنده پیام مشابهت معنا با معنای مورد نظر فرستنده پیام ایجاد شود» (محسنیان‌راد، 1380: 57).

### 3-4. ارتباطات و توسعه

ارتباطات خود به‌عنوان موضوعی مستقل از توسعه قابل طرح نیست، بلکه به‌عنوان ابزاری در خدمت توسعه انجام‌وظیفه می‌کند و خود فراگردی اجتماعی است که از تعاریف توسعه تأثیر می‌پذیرد. وجود رابطه تنگاتنگ بین ارتباطات و توسعه، این دو را لازم و ملزوم یکدیگر ساخته است؛ تا آنجا که وجود یکی بدون دیگری موضوعی بی‌محتواست. ارتباطات که به‌منزله طریق و راهی است که می‌تواند جامعه را به اهداف توسعه نزدیک سازد، باید ویژگی خاص توسعه را دارا باشد؛ یعنی هماهنگی سازمان‌های ارتباطی با اهداف توسعه نه بدان سبب است که ارتباطات خود دارای ویژگی و خصوصیت خاصی نیست و با هر هدفی می‌تواند خود را همسو و هنجار سازد، بلکه بدان علت بوده که اهداف ارتباطات و توسعه در یک جامعه با هم تطبیق پیدا کرده و این وحدت در اهداف، سبب هماهنگی ارتباطات و توسعه شده است؛ از این‌رو رابطه ارتباطات با توسعه رابطه تکمیل‌کنندگی نیست، بلکه رابطه‌ای تلازمی است.

برخی ادعا می‌کنند که ارتباط، بخش مکمل توسعه است و باید برای تأمین بهره‌برداری عاقلانه از منابع ارتباطی و اقدامات هماهنگ، سیاست‌هایی تنظیم شود. برخی دیگر نیز با رد این مدعا می‌گویند صرف وجود سیاست‌های ارتباطی به دولت‌ها اجازه می‌دهد محتوا را دیکته و عقاید ناموافق را سرکوب کنند (مک‌براید، 1375).

در سال‌های دهه 1960 - نخستین دهه‌ای که شاهد تلاش‌های هماهنگ در جهت توسعه بود - اقتصاددانان می‌پنداشتند اگر ثروت تازه در کشورهای درحال‌توسعه به وجود آید، همانند آب خودبه‌خود به پایین تراوش می‌کند و کل جامعه را «مشروب» می‌سازد. آنان به الگویی برای توسعه اندیشیدند که مبتنی بر کمک‌های مالی و فنی از سوی کشورهای توسعه‌یافته بود که هرچند پیشرفت‌هایی در این زمینه به دست آمد و کارخانه، جاده، نیروگاه و مانند آن ساخته شد، اما نتایج آن در سطح جهانی یأس‌آور بود و به‌وضوح آشکار ساخت که بخش‌های پیشرفته‌تر جمعیت، بیش از دیگران بهره‌مند می‌شوند و فاصله میان غنی و فقیر همچنان روبه‌افزایش است (مک‌براید، 1375: 158).

چنانچه ملاحظه می‌شود در صورتی که سیاست‌های ارتباطی و ویژگی‌های آن براساس تمرکز قدرت سرمایه شکل پذیرد، در یک ساختار غلط ارتباطاتی، هرگونه تخصیص بودجه برای کشورهای جهان سوم یا جوامع فقیرتر به راحتی جذب سرمایه و کشورهای سرمایه‌دار و پُرجمعیت شده و در خدمت آنان قرار می‌گیرد؛ از این رو بعضی متفکران غربی عقیده دارند که باید به تغییر جهت الگوهای ارتباطی پرداخت و آن را متناسب با اهداف و ارزش‌های درونی یک جامعه بنا کرد. «فرایندهای توسعه باید از درون بنا شوند و چنانچه از بیرون جامعه نشئت بگیرند نمی‌توانند پایدار بمانند» (مک‌براید، 1375: 158).

## 5. نظریه‌ها

### 5-1. پارادایم نوسازی

این دسته از نظریه‌ها که اغلب از دوره پس از جنگ جهانی دوم و کسب استقلال سیاسی کشورهای مستعمره مطرح شدند، بر تقدم رشد اقتصادی تأکید دارند و معتقدند رشد اقتصادی پیش‌شرط‌های لازم را برای توسعه نهادهای دموکراتیک، کاهش ستیز اجتماعی و تقویت نظام سیاسی فراهم خواهد ساخت و جوامع را قادر می‌سازد تا مستقل شوند و روی پای خود بایستند. این نظرگاه، از نخستین رویکردها به توسعه محسوب می‌شود که معتقدند آثار پُر قدرت رسانه‌ها در دهه‌های 1950 و 1960 و در دوران پس از جنگ جهانی دوم به حوزه نظریه‌های توسعه ارتباطات وارد شدند. این نظریه‌ها بر «نقش خوش‌بینانه رسانه‌ها در نوسازی» مبتنی هستند و انتظاری که از وسایل ارتباط جمعی دارند، تسریع و تسهیل فرایند «مدرنیزاسیون» در جوامع در حال گذار است.

دانیل لرنر<sup>1</sup> از نخستین کسانی است که پس از جنگ جهانی دوم به تدوین استراتژی و الگوی توسعه برای جهان سوم پرداخت و طی آن کوشید نقش رسانه‌های جمعی را در آسان‌سازی و سرعت‌دهی به فرایند توسعه کشورهای عقب‌مانده به سبک غربی‌ها دنبال کند. به دنبال او، نظریه‌پردازان دیگری از جمله ویلبر شرام<sup>2</sup>، اورت راجرز<sup>3</sup> و مک‌کلند<sup>4</sup> امریکایی، ابعاد دیگری از نظریه توسعه‌بخشی ارتباطات را مطرح کردند. الگوی لرنر در ادبیات ارتباطات و توسعه، به‌عنوان «الگوی حاکم» نیز به ثبت رسیده و هنوز هم طرفداران و معتقدانی دارد، اما در چهار دهه اخیر به‌شدت به چالش کشیده شده است (فرقانی، 1393: 269-270).

1. Daniel Lerner  
3. Overt Rogers

2. Wilbur Sherramm  
4. McClelland



دیری نپایید که الگوی حاکم با مخالفت‌ها و مقاومت‌های غیرمنتظره‌ای از درون و بیرون ایالات متحده روبه‌رو شد. چودری عنایت‌الله از نخستین محققان جهان‌سومی و اورت راجرز از پیشگامان نظریه‌پردازان غربی بودند که به مخالفت با الگوی خطی توسعه برخاستند. از نظر آنان، مدل غربی توسعه ترفندی استعماری تلقی می‌شد که در آن سازمان‌های ارتباطی و رسانه‌ای چندملیتی زیر نقاب شعار آزادی‌گرایی تنها در پی تأمین منافع سیاسی - اقتصادی خود و گسترش کنترل و سلطه بر جهان سوم بودند. به تدریج محکومیت این جریان که به «امپریالیسم فرهنگی و ارتباطی» نیز تعبیر می‌شد، در تمامی محافل بین‌المللی و از جمله اجلاس‌های یونسکو در دهه 1970 قوت گرفت. مستقدان معتقد بودند الگوی نوسازی که وعده توسعه صنعتی، اقتصادی و حتی سیاسی را از راه دموکراتیک کردن حکومت‌های جهان سوم داده بود، با ویژگی‌های جهان سوم هماهنگ نبوده و تقریباً هیچ کشوری را به توسعه نرسانده است (معمدنژاد، 1380: 50).

## 2-5. پارادایم وابستگی (انتقادی)

در مخالفت با پارادایم نوسازی، «پارادایم وابستگی» نه در غرب بلکه در امریکای لاتین متولد شد. پدر نظریه وابستگی پل باران<sup>1</sup> اعتقاد داشت توسعه و توسعه‌نیافتگی فرایندهایی وابسته به یکدیگر و دارای روابط متقابل هستند؛ به عبارت دیگر، آن‌ها دو روی یک سکه‌اند. براساس نظریه وابستگی، مهم‌ترین علل بازدارنده توسعه، کمبود سرمایه یا مدیریت نبود بلکه بیشتر نظام بین‌المللی در این میان نقش داشت؛ بنابراین موانع، نه داخلی بلکه خارجی بودند. این نکته بدین معنی نیز بود که این نظام موجب توسعه مرکز و عامل تداوم توسعه‌نیافتگی در پیرامون بوده است. این دو قطب به‌طور ساختاری به یکدیگر پیوسته‌اند (سرواس<sup>2</sup>، 1989: 215-209). برخی از مفروض‌های اصلی نظریه وابستگی بدین شرح است:

- وابستگی فرایند عامی است که در همه کشورهای پیرامون جهان حاکم است؛
- وابستگی وضعیتی بیرونی در نظر گرفته می‌شود که از خارج تحمیل شده است؛
- استعمار و تداوم تقسیم کار نابرابر بین‌المللی، مانع توسعه ملی در کشورهای پیرامون است؛
- وابستگی، جریان انتقال مازاد اقتصادی از کشورهای جهان سوم به کشورهای سرمایه‌داری غربی است (یسو<sup>3</sup>، 1394: 133-120).

1. Paul Baran  
3. Y. So

2. Servaes

نظریه وابستگی، عامل سلطه را ترغیب افکار عمومی می‌داند، نه ارتش؛ در نتیجه معتقد است رسانه‌های جمعی و شرکت‌های رسانه‌ای فراملی، نقش عمده‌ای در ترغیب مردم و تغییر افکار عمومی دارند. براساس این نظریه، وسایل ارتباط جمعی در کشورهای امریکای لاتین نه تنها نقشی در توسعه بخشی نداشته‌اند بلکه عامل تقویت و تحکیم سلطه و حفظ اقتدار غرب در کشورهای پیرامون بوده‌اند. آندره گوندلر فرانک،<sup>1</sup> پل سوئیزی،<sup>2</sup> برنارد بلتران<sup>3</sup> و آرماند ماتلار<sup>4</sup> را می‌توان از سردمداران نظریه وابستگی دانست (ازکیا و غفاری، 1381: 142).

نظریه وابستگی با عنوان دیگری از سوی هربرت شیلر<sup>5</sup> استاد دانشگاه کالیفرنیا مورد بحث قرار گرفت. شیلر که از سردمداران مکتب اقتصاد سیاسی رسانه‌هاست، با طرح «امپریالیسم و سلطه فرهنگی - اطلاعاتی» نقش شرکت‌های فراملیتی و رسانه‌های بین‌المللی را در تحکیم سلطه امریکا، اشاعه اقتصاد بازار و استعمار جهان سوم تشریح می‌کند (فرقانی، 1382: 51).

این مکتب نیز پس از گذشت حدود دو دهه در عمل با ناکامی‌هایی مشابه ناکامی و نارسایی‌های نظریه رقیب خود مواجه شد؛ ناکامی‌هایی که شاید بتوان ادعا کرد ریشه در دل‌بستگی هر دو نظریه به علم اقتصاد کلاسیک (و حتی نئوکلاسیک) داشته و اتحادی ناخواسته را میان این دو، علیه اقتصاد توسعه - که با دید گسترده‌تری به توسعه می‌نگرد - پدید آورده است. آلبرت هیرشمن معتقد است نادیده‌انگاشتن ابعاد غیراقتصادی به گسترش مباحث توسعه کمکی نکرده و به تعبیر طنزآمیز آندره گوندلر فرانک، همچنان آن را در وضعیت توسعه‌نیافتگی نگه داشته است (خانیک، 1384 الف: 148).

### 3-5. پارادایم توسعه‌ای دیگر؛ نگاه به درون، ارتباطات دوسویه و مشارکتی

پس از انتقادهایی که از پارادایم‌های نوسازی و وابستگی و به‌ویژه نوسازی شد، دیدگاه نوینی درباره توسعه شکل گرفت. این پارادایم تازه از رهیافتی هنجاری‌تر برخوردار است. پندار اساسی این دیدگاه آن است که هیچ کشوری وجود ندارد که عملکرد کاملاً مستقلاً داشته و خودکفا باشد و هیچ ملتی نیست که توسعه آن تنها به‌وسیله عوامل خارجی تحقق یافته باشد. در این رویکرد، هم مرکز و هم پیرامون به‌طور جداگانه ولی در رابطه و وابستگی دوسویه با یکدیگر، مورد مطالعه قرار می‌گیرند و

1. Frank

2. Paul Sweezy

3. Belteran

4. Matlar

5. Herbert I. Schiller

مفهوم وابستگی متقابل در آن مطرح شده است (سرواس، 1384 ب: 174). برخلاف دیدگاه بیشتر اقتصادی‌نوسازی و دیدگاه بیشتر سیاسی وابستگی، ایده اصلی این است که مدل توسعه جهانی وجود ندارد بلکه توسعه فرایندی یکپارچه، چندبعدی و دیالکتیکی است که از جامعه‌ای به جامعه دیگر متفاوت بوده و امری نسبی است (سرواس، 1384 الف: 91).

پارادایم توسعه‌ای دیگر مبتنی بر نیازهای اساسی، اعتمادبه‌نفس، محیط توسعه و دموکراسی مشارکتی است و به توسعه به‌عنوان امری درون‌زا می‌نگرد. این اصول باید به شکل ارگانیک به یکدیگر مربوط شوند، زیرا توسعه فرایند واحدی است (همان: 95). براساس آموزه‌های این دیدگاه، تمامی کشورها به‌نوعی به یکدیگر وابسته هستند و توسعه را باید در بافتی جهانی مورد مطالعه قرار داد که در آن مرکز و پیرامون و نیز تقسیم‌بندی‌های فرعی به هم مرتبط‌اند. به نظر می‌رسد از برخی وجوه، این مدل با آنچه حمید مولانا در کتاب «گذر از نوگرایی» با عنوان «الگوهای وحدت‌گرا و رهایی‌بخش» نام برده است، نزدیک باشد. به عقیده آن‌ها بخش وحدت‌گرا در این الگو به وحدت حیات بشری اشاره می‌کند که به وابستگی متقابل آنان به یکدیگر می‌انجامد. همچنین در این الگو، مفهوم رهایی تا حدودی با مفهوم آزادشدن از الزام‌ها و اسارت‌های شخصی که در درون فرد تحقق می‌یابد، مطابقت دارد. این دیدگاه، توسعه اقتصادی (پارادایم نوسازی) و توسعه سیاسی (پارادایم وابستگی) را مهم‌ترین اهداف توسعه نمی‌داند، و هرچند آن‌ها را نفی نمی‌کند، ولی تنها بر اهمیت توسعه فرهنگی، اجتماعی و فردی تأکید دارد (مولانا، 1371: 111).

در دیدگاه توسعه‌ای دیگر، نقش مراجع اقتدار در فرایندهای تغییر اجتماعی بنیادی است. برخلاف اعتماد و اطمینان به نقش دولت و بازگشت به آن که ویژگی پارادایم اول و دوم است، پارادایم سوم به سوی مراجع اقتدار گرایش دارد (سرواس، 1989: 245-238).

مجید تهرانیان نیز در بررسی اوضاع و مسائل کشورهای توسعه‌نیافته در دوران گذار تاریخی آنان از جامعه سنتی به جامعه صنعتی، کوشیده است فارغ از پیش‌فرض‌های معمول در زمینه توسعه، به برداشت‌هایی نو و متناسب با وضعیت فرهنگی آن‌ها دست یابد. او معتقد است کشورهای توسعه‌نیافته مایه‌های اصلی تحولی اساسی را در درون فرهنگ‌های کهن خویش دارند. وی با این پیش‌زمینه می‌کوشد واژه توسعه ملی را خارج از چهارچوب «مفاهیم مادی‌گرای وارداتی» تعریف کند. با این مقدمه، او توسعه ملی را مفهومی می‌داند که به «بالارفتن ظرفیت مادی و معنوی نظام ملی

و رسیدن به سطوح جدیدی از پیچیدگی، نظم و نوآوری» منجر شود (تهرانیان، 1355: 19-12).

#### 4-5. پارادایم جامعه اطلاعاتی

مدل‌های ارتباطاتی اولیه در دهه‌های 1950 و 1960، فرایند ارتباطات را صرفاً پیامی تصور می‌کردند که از فرستنده به گیرنده ارسال می‌شود (لاسول)؛<sup>1</sup> با این حال از دهه 1970 بدین سو، ارتباطات بیشتر پیام‌محور و گیرنده‌محور شد. در اینجا بیشتر بر فرایند ارتباطات (تبادل معنا) و اهمیت این فرایند (روابط ایجادشده توسط ارتباطات و نهادهای اجتماعی حاصل از این روابط) تأکید می‌شود؛ از این رو برخلاف مدل غربی، دیدگاه کنونی درباره ارتباطات در تمامی سطوح دوسویه، تعاملی و مشارکتی است. از دهه 1970 مفهوم «ارتباطات از نوعی دیگر» مطرح شد. ارتباطات از نوع دیگر ضرورت وجود رسانه‌های هم‌شکل، متمرکز، پرهزینه و تحت کنترل دولت را رد می‌کند. ارتباطات از نوع دیگر طرفدار تکثر، کوچکی مقیاس، محلی بودن، نهاددایی، تعویض نقش‌های فرستنده - گیرنده، افقی بودن پیوندهای ارتباطات در همه سطوح جامعه و تعامل است (مک‌کویل<sup>2</sup>، 1382).

براساس این پارادایم، رهیافتی منطقی برای جوامع و فرهنگ‌هایی که نگران هژمونی رسانه‌های غربی مروج امپریالیسم فرهنگی هستند، می‌تواند ایجاد مجموعه‌ای از رسانه‌های یکپارچه «بدیل»، «به لحاظ فرهنگی مقابله‌جو» یا «افسون‌زدا» باشد که از تکنولوژی‌ها و محصولات رسانه‌ای خارجی برای مقاصد کاملاً متفاوت بهره می‌گیرند. شبکه‌های جایگزین و موازی، به شدت مشارکتی هستند و از درجه اعتبار بالایی برخوردارند و با سایر نهادهایی که ریشه عمیقی در جامعه دارند، ارتباط ارگانیک قدرتمندی دارند؛ برعکس، رسانه‌های گروهی مدرن که به‌طور مکانیکی از خارج به جوامع جهان سوم وارد شده‌اند، از درجه‌های گوناگون و محدودی برای نفوذ برخوردارند. آن‌ها به ندرت در ساختارهای نهادی به‌طور واقعی ادغام می‌شوند؛ آن‌گونه که در جوامع غربی اتفاق می‌افتد (سرواس، 1384: 181).

سرانجام اینکه رسانه‌های گروهی مدرن و شبکه‌های جایگزین یا موازی بنا بر تعریف، مانع‌الجمع نیستند بلکه می‌توان آن‌ها را به شکل مؤثری با هم ترکیب کرد؛ به شرطی که تقسیم کارکردی میان آن‌ها به وجود آید و محدوده‌های رسانه‌های گروهی شناسایی شوند.

1. Lasswell

2. MacQuel

## 6. تحلیل مضمون به عنوان روش تحقیق

در میان روش‌های تحلیل داده‌های کیفی، «تحلیل مضمونی»<sup>1</sup> در قالب طبقه‌بندی، شاخص‌بندی و سنخ‌بندی از اهمیت زیادی برخوردار است. این تحلیل از متعارف‌ترین و پرکاربردترین روش‌های تحلیل داده‌های کیفی است که در سایر رهیافت‌های تحلیل نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد. تحلیل مضمون عبارت است از تحلیل مبتنی بر استقرای تحلیلی که در آن محقق از طریق طبقه‌بندی داده‌ها و الگویابی درون‌داده‌ای و برون‌داده‌ای به سنخ‌شناسی تحلیلی دست می‌یابد. این نوع تحلیل در وهله نخست، به دنبال الگویابی در داده‌هاست. زمانی که الگویابی به دست آمد باید حمایت‌یمی یا موضوعی از آن صورت پذیرد؛ به عبارتی تم‌ها از داده‌ها نشئت می‌گیرند (محمدپور، 1392). این روش، فرایندی برای تحلیل داده‌های متنی است و داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌هایی غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند (بویاتزیس،<sup>2</sup> 1998)؛ ضمن اینکه از جمله روش‌هایی است که مستقل از جایگاه نظری یا معرفت‌شناسی خاصی است و در طیف گسترده‌ای از روش‌های نظری و معرفت‌شناسی می‌توان از آن‌ها استفاده کرد؛ از این رو، ابزار تحقیقاتی منعطف و مفیدی است که می‌توان برای تحلیل حجم زیادی از داده‌های پیچیده و مفصل از آن بهره گرفت (کلارک و براون،<sup>3</sup> 2006). در تحلیل مضمون، تمامی منابع داده بررسی و مضامین کل داده‌ها، تحلیل و تفسیر می‌شود و نیازی به اشباع نظری وجود ندارد (همان).

از وجهی دیگر، تحلیل مضمون شباهت‌هایی با «تحلیل محتوا»<sup>4</sup> دارد؛ با این حال تحلیل محتوا بیشتر بر سطوح خردتر تمرکز دارد و اغلب فراوانی داده‌ها را نشان می‌دهد و امکان تحلیل کمی داده‌های کیفی را فراهم می‌کند، ولی در تحلیل مضمون، واحد تحلیل بیشتر از یک کلمه یا اصطلاح است و به بافت داده‌ها و نکات ظریف آن‌ها بیشتر توجه می‌شود. البته در تحلیل مضمون می‌توان از فراوانی نسبی مضامین برای مقایسه آن‌ها و تهیه ماتریس مضامین و ترسیم شبکه مضامین استفاده کرد (نامی و دیگران،<sup>5</sup> 2007).

تحلیل مضمون با «تحلیل محتوای مضمونی»<sup>6</sup> در شناخت مضامین مشترک داده‌ها مشابهت دارد، اما برخلاف تحلیل مضمون، در کمترین حد ممکن از تفسیر استفاده می‌کند و صرفاً از آن برای

1. Thematic Analysis
3. Clarke & Braun
5. Namey et al

2. Boyatzis
4. Content Analysis
6. Thematic Content Analysis (TCA)

نام‌گذاری و گروه‌بندی مضامین استفاده می‌شود. تحلیل محتوای مضمونی، بیشتر تحلیل توصیفی است، درحالی‌که تحلیل مضمون، تحلیل تفسیری است (اندرسون،<sup>1</sup> 2007).

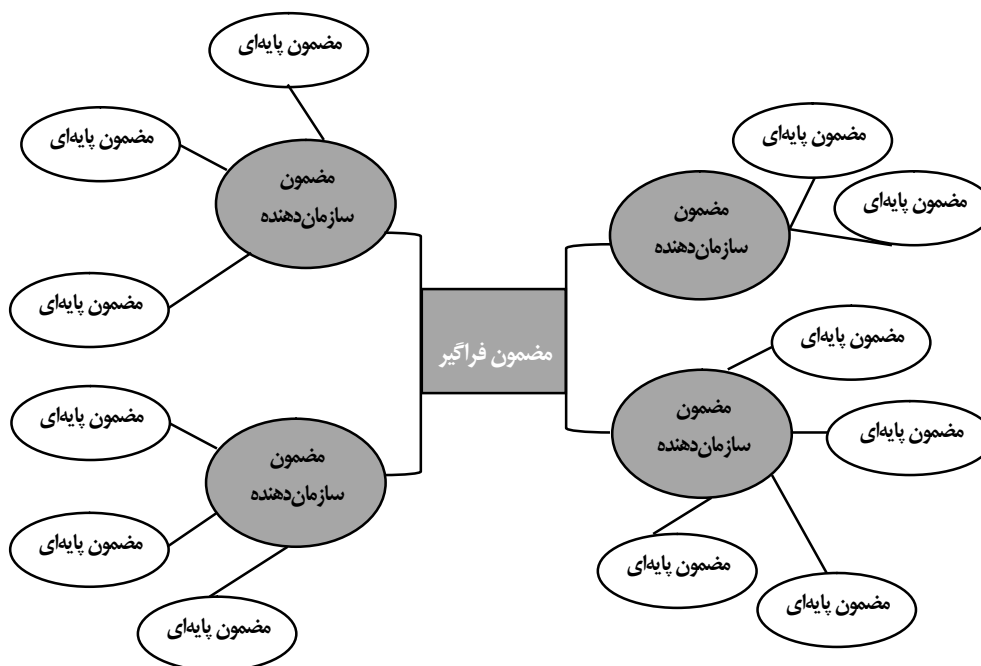
تحلیل مضمون بیشتر در سه روش «قالب مضامین»، «ماتریس مضامین» و «شبکه مضامین» انجام می‌شود. در روش قالب مضامین، فهرستی از متن داده‌ها به صورت درختی و سلسله‌مراتبی تنظیم می‌شود. ماتریس مضامین نیز برای مقایسه مضامین با یکدیگر یا مقایسه مضامین در منابع داده‌ها به کار می‌رود، اما آنچه شبکه مضامین عرضه می‌کند، نقش‌های شبیه تارنما به‌مثابه اصل سازمان‌دهنده و روش نمایش است. شبکه مضامین براساس روندی مشخص، پایین‌ترین سطح قضایای پدیده را از متن بیرون می‌کشد (مضامین پایه)، سپس با دسته‌بندی و تلخیص آن‌ها، به اصول مجردتر و انتزاعی‌تر دست می‌یابد (مضامین سازمان‌دهنده)؛ در قدم سوم این مضامین عالی در قالب استعاره‌های اساسی گنجانده شده و به صورت مضامین حاکم بر کل متن درمی‌آیند (مضامین فراگیر). در ادامه، این مضامین به صورت نقشه‌های شبکه تارنما، رسم و مضامین برجسته‌تریک از این سه سطح همراه با روابط میان آن‌ها نشان داده می‌شود (شیخ‌زاده، 1390: 172-165). در این نوع تحلیل، سعی بر این است که از مضامین پایه‌ای که آشکار و صریح هستند، به سوی مضامین انتزاعی‌تر و کلی‌تر حرکت شود تا به مضمون یا مضامین اصلی متن دست پیدا کنیم (استرلینگ - آستراید،<sup>2</sup> 2001).

در این تحقیق از روش شبکه مضامین استفاده می‌شود و مراحل انجام آن برای استخراج شبکه مضمونی ارتباط در برنامه‌های توسعه، گام‌به‌گام پیش برده می‌شود. این روش فرایندی است که ورودی آن برنامه‌های توسعه چهارم و پنجم است و پس از طی فرایند تحلیل مضامین، به شبکه‌هایی از مفاهیم که دارای سطح‌بندی هستند، می‌رسیم. سطح‌بندی مضامین به این معناست که برخی از مضامین مهم‌تر (که انتزاعی‌تر هم هستند) در جایگاه مرکزی قرار می‌گیرند و سایر مضامین، پیرامون این مضامین اصلی سازمان می‌یابند.

1. Anderson

2. Stirling-Attride

نمودار شماره 1. ساختار یک شبکه مضمونی



Attride-Stirling, 2001: 388.

7. یافته‌های تحقیق

ابتدا تلاش می‌کنیم با استفاده از یافته‌های تحقیق، و به تفکیک برنامه‌ها به نقش و جایگاه ارتباطات و بیان تفاوت‌ها و شباهت‌های آن پردازیم. برنامه چهارم توسعه (1384-1388) در مواد متعددی به موضوع ارتباطات و توسعه پرداخته است. فناوری اطلاعات و ارتباطات به‌طور مشخص از برنامه چهارم توسعه وارد نظام برنامه‌ریزی کشور شد و به مسائلی همچون استقرار جامعه اطلاعاتی، تضمین اصل جریان آزاد اطلاعات، تشویق بخش خصوصی، بازرگری در قوانین رسانه‌ای و در فصل چهارم به «توسعه مبتنی بر دانایی» پرداخته است. در برنامه پنجم توسعه (1390-1394) نیز توجه به فناوری اطلاعات و ارتباطات و استفاده از آن، به بالاترین میزان خود در برنامه‌های توسعه و سند‌های راهبردی کشور رسید، تا آنجا که در مجموع به‌طور مستقیم در 32 ماده به‌فاوا اشاره شده است. در این پژوهش، ابتدا متون برنامه‌های چهارم و پنجم توسعه، مطالعه و کدگذاری اولیه و سپس، مضامین پایه مورد نظر استخراج شده‌اند و با توجه به ویژگی‌ها و ابعاد آن‌ها و همچنین با در نظر گرفتن

تحلیل مضمون مفاهیم ارتباطات و توسعه

چهارچوب نظری و طبقه‌های تحلیل، تحت مضامین سازمان‌دهنده دسته‌بندی و نام‌گذاری شده و از میان آن‌ها، مضامین کلان و فراگیر انتخاب شده‌اند.

در ادامه ابتدا با استفاده از روش تحلیل مضمون، مضامین پایه‌ای که در مواد و تبصره‌های قسمت ارتباطاتی برنامه چهارم و پنجم وجود دارد، برشماری شده‌اند و سپس براساس پارادایم‌های بیان‌شده در قسمت مبانی نظری و به‌طور مشخص نظریه دکتر مجید تهرانیان، مفاهیم سازمان‌دهنده و فراگیر جمع‌آوری شده و در جدول شماره 1 ارائه شده است. نتایج تحلیل مضامین شامل 133 مضمون پایه، 31 مضمون سازمان‌دهنده و 7 مضمون فراگیر است.

نتایج نشان می‌دهد مضامین فراگیر مشترک در برنامه چهارم و پنجم توسعه بر «توسعه بانکداری الکترونیک»، «توسعه صنعت فناوری اطلاعات»، «توسعه اقتصاد و بازرگانی در محیط تجارت الکترونیک»، «توسعه پایگاه اسنادی - اطلاعاتی دولت الکترونیک»، «توسعه فرهنگ ملی، بومی و دینی در داخل و خارج» «توسعه نظام آموزش همگانی» و «توسعه نظام حقوق ارتباطات» استوار است.

در جدول شماره یک، در مقام تبیین و گردآوری حاصل از مراجعه به برنامه‌های چهارم و پنجم و دسته‌بندی شامل مضامین کلیدی، سازمان‌دهنده و فراگیر آن‌ها هستیم که حاصل آن در جدول شماره 2 با استفاده از نظریه توسعه دکتر تهرانیان طبقه‌بندی می‌شود.

#### جدول شماره 1. مضامین مواد مشترک برنامه چهارم و پنجم توسعه

مضامین پایه	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین فراگیر
برقراری نظام بانکداری الکترونیکی (چهارم، م 10 ج)	خدمات ملی و بین‌المللی بانکداری الکترونیکی	توسعه بانکداری الکترونیک
تبادل پول و خدمات بانکی الکترونیکی ملی و بین‌المللی برای همه (چهارم، م 10 ج)		
بانکداری متمرکز <sup>1</sup> (پنجم، م 49 الف)		
امضای الکترونیکی در تسهیل تعاملات بانکی (پنجم، م 49 الف)	نرم‌افزارهای نوین اطلاعاتی	

#### 1. Core Banking

سال ششم، شماره یازدهم، بهار و تابستان 1397



مضمین پایه	مضمین سازمان دهنده	مضمین فراگیر
امکان احراز الکترونیکی صحت اسناد و اطلاعات مشتریان به بانکها (پنجم، م 90 ب)		
بهبود و گسترش سیستمهای اطلاع رسانی (چهارم، م 21د)	گسترش محصولات دانایی محور	توسعه صنعت فناوری اطلاعات
گسترش بازار محصولات دانایی محور و دانش بنیان (چهارم، م 45)		
تمهیدات لازم به منظور ارزش گذاری و مبادله محصولات دانایی محور (چهارم، م 45 ط)		
توسعه ساختارهای فعالیت های دانایی محور در بخش دولتی و خصوصی به ویژه ایجاد و گسترش پارکها و مراکز رشد علم و فناوری (چهارم، م 45 ه)		
حمایت از بخش خصوصی و تعاونی در بازارهای بین المللی دانش و فناوری (چهارم، م 45 و)		
بسط خدمات دولت الکترونیک (پنجم، م 46 الف)	توسعه شبکه ملی اطلاعات	
گسترش صنعت فناوری اطلاعات (پنجم، م 46 الف)		
ایجاد و توسعه شبکه ملی اطلاعات امن و پایدار با استفاده از توان و ظرفیت بخش های غیردولتی، خصوصی و تعاونی (پنجم، م 46 الف)		

تحلیل مضمون مفاهیم ارتباطات و توسعه

مضامین پایه	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین فراگیر
حمایت از بخش‌های خصوصی و تعاونی در صنعت فناوری اطلاعات کشور به‌ویژه بخش نرم‌افزار و امنیت (پنجم، م 46 الف)	توسعه شبکه ملی اطلاعات	توسعه صنعت فناوری اطلاعات
طراحی و استقرار نظام جامع حقوق مالکیت معنوی، ملی و بین‌المللی (چهارم، م 45 الف)	نظام جامع حقوق مالکیت معنوی	
تأمین و پرداخت هزینه‌های ثبت جواز امتیاز علمی (PATENT) (چهارم، م 45 ب)		
تأسیس و توسعه صندوق‌های غیردولتی پژوهش و فناوری (چهارم، م 45 ح)		
نوسازی سیاست‌ها و راهبردهای پژوهشی، فناوری و آموزشی (چهارم، م 43 الف)	نوسازی حوزه علمی و فناوری و علوم انسانی	
تهیه برنامه‌های جامع توسعه علمی و فناوری کشور (چهارم، م 43 ب)		
ظرفیت‌های ملی و منطقه‌ای حوزه‌های فناوری اطلاعات (چهارم، م 43 ج)		
نوسازی علوم انسانی و مطالعات اجتماعی و فرهنگ به‌منظور توسعه کیفی (چهارم، م 43 د)		
نظریه‌پردازی در حوزه‌های اجتماعی در سطح جهانی (چهارم، م 43 د)		

مضمین پایه	مضمین سازمان دهنده	مضمین فراگیر
ایجاد زیرساخت‌های لازم به منظور توسعه شبکه علمی کشور (پنجم، م 46 ح)	ایجاد زیرساخت‌های شبکه ملی اطلاعات	توسعه صنعت فناوری اطلاعات
اتصال به شبکه ملی اطلاعات و توسعه و تکمیل پایگاه‌های اطلاعاتی (پنجم، م 46 ب)		
تبادل رایگان اطلاعات و ایجاد سامانه‌های اطلاعاتی و کاهش تولید و نگهداری اطلاعات تکراری در شبکه با تأمین و حفظ امنیت تولید، پردازش و نگهداری اطلاعات (پنجم، م 124 الف)		
توسعه صنایع مرتبط با طراحی، ساخت، آزمایش، پرتاب و بهره‌برداری از سامانه‌های فضایی ماهواره، و ایستگاه‌های زمینی (پنجم، م 47 الف)	گسترش صنایع فضایی و ماهواره‌ای و مخابراتی	
حفظ و نگهداری از موقعیت‌های مداری متعلق به ایران و پیش‌بینی لازم برای اجرای پروژه‌های ماهواره‌ای ملی (پنجم، م 47 ب)		
ایجاد بازارهای مجازی (چهارم، م 33 ط)	بازارهای مجازی تجاری	توسعه اقتصاد و بازرگانی در محیط تجارت الکترونیک
انجام فعالیت‌های تدارکاتی و معاملاتی در قالب تجارت الکترونیکی (چهارم، م 33 ط)		
تقویت توان فنی - مهندسی - تخصصی، تحقیق و توسعه و بازاریابی (چهارم، م 39 الف)		

تحلیل مضمون مفاهیم ارتباطات و توسعه

مضامین پایه	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین فراگیر
گسترش فناوری ارتباطات و اطلاعات در اقتصاد، بازرگانی و تجارت (چهارم، م 39 الف)		
حمایت از ایجاد پیوند مناسب بین بنگاه‌های کوچک، متوسط و بزرگ (چهارم، م 39 الف)		
انجام مناقصه‌ها، مزایده‌ها و عملیات مالی اعتباری در محیط رایانه‌ای (چهارم، م 33 ط)		
به‌روزر بودن مراکز اطلاع‌رسانی محیط رایانه‌ای و شبکه‌ای (چهارم، م 33 ط)		
توسعه و هدفمندسازی پژوهش، آموزش، تولید و تبلیغات در صنعت فرش (پنجم، م 149 ن)	تقویت، حمایت و توسعه بنگاه‌های بازرگانی و تجاری	توسعه اقتصاد و بازرگانی در محیط تجارت الکترونیک
هویت‌بخشی، ارتقای کیفیت تولید و روان‌سازی، سفارش‌پذیری در صنعت فرش (پنجم، م 149 ن)		
توسعه تجارت الکترونیک فرش و ایجاد خانه فرش (پنجم، م 149 ن)		
بهره‌گیری مناسب از موقعیت و توانمندی‌های عرصه‌های مختلف سرزمین، برای توسعه علم و فناوری و تعامل فعال با اقتصاد جهانی (چهارم، م 75 الف)		

مضمین پایه	مضمین سازمان‌دهنده	مضمین فراگیر
توسعه صدور گواهی الکترونیکی و کاربرد امضای الکترونیکی (پنجم، م 48 الف)	استفاده از اسناد اداری الکترونیکی	توسعه اقتصاد و بازرگانی در محیط تجارت الکترونیک
اعتبار سند الکترونیکی همچون سند کاغذی (پنجم، م 48 ب)		
اصلاح و مهندسی مجدد سیستم‌ها، کاهش میزان ارتباط کارمندان با مراجعه‌کنندگان، افزایش رضایت مراجعان (چهارم، م 154 ب 6)		
تبدیل اسناد قضایی با استفاده از فناوری اطلاعاتی روز به اسناد الکترونیکی (چهارم، م 131 الف)		
حفظ پرونده‌ها و اسناد تاریخی توسط سازمان اسناد و کتابخانه ملی (چهارم، م 131 الف)	تکمیل پایگاه‌های اطلاعاتی و آرشیو اسناد و املاک کشور	توسعه پایگاه اسنادی، اطلاعاتی دولت الکترونیک
سامانه الکترونیکی ثبت اسناد رسمی و املاک (پنجم، م 46 و 2)		
گسترش سامانه الکترونیکی امن معاملات املاک و مستغلات کشور (پنجم، م 46 ز)		
تکمیل و اصلاح پایگاه اطلاعات هویتی کلیه وقایع حیاتی نظیر تولد، ازدواج، طلاق، فوت (پنجم، م 46 د)		
صدور کارت هوشمند ملی چندمنظوره برای آحاد مردم (پنجم، م 46 د)	توسعه پایگاه اطلاعات هویتی	

مضمین پایه	مضمین سازمان دهنده	مضمین فراگیر
<p>صدر گواهی (امضای الکترونیکی) (پنجم، م 46 د)</p> <p>ارسال و دریافت الکترونیکی استعلامات دستگاهها با شبکه ملی اطلاعات (پنجم، م 46 ج 1)</p>	<p>توسعه پایگاه اطلاعات هویتی</p>	<p>توسعه پایگاه اسنادی، اطلاعاتی دولت الکترونیک</p>
<p>ارائه خدمات به صورت الکترونیکی از طریق شبکه ملی اطلاعات (پنجم، م 46 ج 2)</p>	<p>شبکه ملی اطلاعات</p>	
<p>شبکه ملی اطلاعات (IP) کشور به همراه سوئیچها و مسیریابها و امکان ایجاد شبکههای اینترنت و خصوصی و امن داخلی (پنجم، م 46 ج تبصره 1)</p>		
<p>واگذاری خدمات به دفاتر پستی و پیشخوان خدمات دولت (پنجم، م 46 ج تبصره 2)</p>		
<p>نقشه جامع دولت الکترونیک (پنجم، م 46 ج 3)</p>		
<p>فرصت‌های نوین خدمات و رشد برای آحاد جامعه و خانوارها، مؤسسه‌ها و شرکتها (چهارم، م 57 الف)</p>	<p>ارتقای شبکه‌های مخابراتی و پستی</p>	
<p>شبکه‌ای شدن قلمروها، برپایی و تقویت اقتصاد شبکه‌ای (چهارم، م 57 الف)</p>		
<p>ارتقای ضریب نفوذ ارتباطات ثابت، سیار و اینترنت کشور (چهارم، م 57 الف)</p>		

مضمین پایه	مضمین سازمان دهنده	مضمین فراگیر
افزایش ظرفیت خدمات پستی (چهارم، م 57 الف)	ارتقای شبکه‌های مخابراتی و پستی	توسعه پایگاه اسنادی، اطلاعاتی دولت الکترونیک
پاسخ‌گویی دستگاه‌های اجرایی به مردم با استفاده از فناوری‌های نوین اداری (چهارم، 160)		
مشتری‌مداری و آموزش اداری مردم و توسعه فرهنگ مدیریت (چهارم، 160)	تدوین ضوابط مشتری‌مداری	
جلوگیری از مفاسد اداری (چهارم، 160)		
تدوین ضوابط و مقررات و بخشنامه‌های رضایت و تکریم ارباب رجوع (چهارم، 160)		
طراحی و استقرار نظام جامع اطلاعات سلامت شهروندان (چهارم، م 88 ه)	سامانه اطلاعاتی سلامت شهروندان	
ارائه خدمات الکترونیکی سلامت با استقرار سامانه پرونده الکترونیکی سلامت ایرانیان و سامانه‌های اطلاعاتی مراکز سلامت (پنجم، م 35 الف)		
بیمه سلامت به صورت یکپارچه و مبتنی بر فناوری اطلاعات (پنجم، م 35 ب)		
تقویت، توسعه و آمادگی شبکه امداد و نجات از طریق نیازسنجی، تهیه، تأمین تجهیزات ارتباطی و مخابراتی هلال‌احمر (پنجم، م 40 ب)		
افزایش اشتغال در عرصه فرهنگی (چهارم، م 104)		

تحلیل مضمون مفاهیم ارتباطات و توسعه

مضامین پایه	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین فراگیر
بهبود کیفیت کالا و خدمات (چهارم، م 104)	حضور در بازارهای تجارت جهانی فرهنگ و هنر	توسعه فرهنگ ملی و بومی و دینی در داخل و خارج
توزیع عادلانه محصولات و خدمات فرهنگی (چهارم، م 104)		
ورود به بازارهای جهانی فرهنگ و هنر (چهارم، م 104)		
رفع انحصار، تقویت رقابت‌پذیری، بسط مشارکت مردم، نهادهای غیردولتی، صنفی و حرفه‌ای در امور فرهنگی و هنری (چهارم، م 104 الف)		
حمایت از تولید، توزیع و صادرات کالاها و خدمات فرهنگی و هنری، سینمایی، مطبوعاتی و ورزشی در سطح ملی و بین‌المللی (چهارم، م 104 ب)		
سامان‌دهی نظام یارانه‌ای فرهنگ با اولویت کودکان و دانش‌آموزان (چهارم، م 104 ز)		
تغییر نظام پرداخت یارانه از تولید به سمت مصرف (چهارم، م 104 ز)	سیاست حمایتی - یارانه‌ای از فرهنگ	
اجرای سیاست‌های حمایتی از تولیدکنندگان فرهنگی کشور (چهارم، م 113 ب)		
توسعه فضاهای مجازی فرهنگی، هنری و مطبوعاتی در محیط‌های رایانه‌ای و اینترنتی (چهارم، م 104 ط)		



مضمین پایه	مضمین سازمان دهنده	مضمین فراگیر
دسترسی جامعه به آموزش های عمومی، فنی - حرفه ای، ترویجی و آموزش های عالی از طریق شبکه های صداوسیما (چهارم، م 106 ب)	دسترسی به برنامه های رسانه های جمعی	توسعه فرهنگ ملی و بومی و دینی در داخل و خارج
دریافت برنامه های صوتی و تصویری از طریق شبکه های اطلاع رسانی کابلی و کانال های ماهواره ای براساس ضوابط سازمان صداوسیما (چهارم، م 104 ط)		
گسترش رسانه ملی و مقابله با تهاجم فرهنگی و سالم سازی فضای عمومی (چهارم، م 106 ب)		
تقویت رسانه های ماهواره ای و اینترنتی همسو و مقابله با رسانه های معارض (پنجم، م 10 ب)		
سامان دهی، نظارت و پالایش محتوای دیداری، شنیداری و نوشتاری (پنجم، م 10 ج)		
پایگاه های رایانه ای و اطلاع رسانی حاوی اطلاعات فرهنگی، دینی، تاریخی و علمی به زبان و خط فارسی (چهارم، م 104 ط)		
به کارگیری شیوه ها و راهکارها و ابزارهای نوین عرصه تبلیغات دینی (چهارم، م 106 ط)		
گسترش منابع و اطلاعات به خط و زبان فارسی (چهارم، م 109 ج)		

تحلیل مضمون مفاهیم ارتباطات و توسعه

مضامین پایه	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین فراگیر
تقویت تعامل فرهنگ‌ها و زبان‌های بومی با رویکرد تحکیم وحدت ملی (چهارم، م 109 ه)	ترویج فرهنگ ملی، باورهای دینی و ارزش‌های ایرانی اسلامی	توسعه فرهنگ ملی و بومی و دینی در داخل و خارج
احداث موزه علم و فناوری و فرهنگی، ورزشی، تاریخی، صنعتی، دفاع مقدس (چهارم، م 113 ب)		
هنجارهای فرهنگی، باورهای دینی و اعتلای معرفت دینی (پنجم، م 3)		
تقویت روحیه کار جمعی، ابتکار، ترویج فرهنگ مقاومت و ایثار (پنجم، م 3)		
تبلیغ ارزش‌های اسلامی و انقلاب اسلامی و گسترش خط و زبان فارسی (پنجم، م 3)		
توسعه هیئت‌ها و تشکلهای فرهنگی، هنری، رسانه‌ای، دینی و قرآنی (پنجم، م 3 د)		
عدم ترویج فرهنگ برهنگی، بدحجابی و بی‌حجابی و ابتدال (پنجم، م 3 تبصره 2)		
طراحی، تولید، توزیع، انتشار و صدور محصولات فرهنگی، هنری، رسانه‌ای، صنایع دستی و میراث فرهنگی (پنجم، م 3 ج)		
توسعه تولیدات و فعالیت‌های رسانه‌ای، دیجیتال و نرم‌افزار (پنجم، م 3 ب)		

مضامین پایه	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین فراگیر
حضور فعال و تأثیرگذار در فضای مجازی (پنجم، م 3 ب)	ترویج فرهنگ ملی، باورهای دینی و ارزش‌های ایرانی اسلامی	
تسهیل فعالیت‌های بخش غیردولتی در «نظام جامع رسانه‌ها» (پنجم، م 10 الف)		
ارتقای آگاهی، دانش و مهارت همگانی (پنجم، م 10 ب)	ارتقای فعالیت‌های رسانه‌ای و ارتباطی غیردولتی	توسعه فرهنگ ملی و بومی و دینی در داخل و خارج
شبکه‌های ارتباطی غیرمکالماتی، شبکه‌های داده و ماهواره‌ای و منخبراتی (پنجم، م 10 ج)		
دسترسی به فرصت‌های برابر آموزشی در مناطق کمتر توسعه‌یافته (چهارم، م 52)		
گسترش دانش، مهارت و ارتقای بهره‌وری به‌ویژه برای دختران (چهارم، م 52)	فرصت‌های برابر آموزشی در مناطق محروم	توسعه نظام آموزش همگانی
توسعه کمی و کیفی آموزش عمومی (چهارم، م 52)		
تجهیز مدارس کشور به امکانات رایانه‌ای و شبکه اطلاع‌رسانی (چهارم، م 52 ک)		
تضمین دسترسی به فرصت‌های عادلانه آموزشی به تناسب جنسیت (پنجم، م 19 الف)		
رفع محرومیت آموزشی، نسبت به آموزش از راه دور و رسانه‌ای (پنجم، م 19 الف)		

تحلیل مضمون مفاهیم ارتباطات و توسعه

مضامین پایه	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین فراگیر
<p>ترویج ارزش‌های اسلامی ایرانی، ارتقای سطح فرهنگ عمومی (پنجم، م 19 و)</p>	<p>فرصت‌های برابر آموزشی در مناطق محروم</p>	<p>توسعه نظام آموزش همگانی</p>
<p>تقویت هویت ملی جوانان، گسترش برنامه‌های آموزشی، علمی صداوسیما (پنجم، م 19 و)</p>		
<p>ارائه برنامه‌های آموزشی و دوره‌های تحصیلی به صورت الکترونیکی (پنجم، م 19 الف 14)</p>		
<p>دانش و مهارت به روز فناوری اطلاعات و ارتباطات کارکنان آموزش و پرورش (چهارم، م 52 ل)</p>		
<p>ایجاد تعامل و ارتباط مؤثر با دیگر نظام‌های آموزشی در کشور (پنجم، م 19 الف 15)</p>	<p>تعامل با مراکز بین‌المللی آموزشی فرهنگی</p>	
<p>ایجاد تعامل آموزشی با مراکز بین‌المللی مانند یونسکو آیسسکو و یونیوک (پنجم، م 19 الف 16)</p>		
<p>هویت‌بخشی به سیمای شهر و روستا (چهارم، م 30 ب)</p>		
<p>ارتقای آگاهی‌های عمومی به منظور حفظ محیط زیست (پنجم، م 189 الف)</p>	<p>توسعه پایدار شهر و روستا</p>	
<p>اجرای برنامه‌های آموزشی حفظ محیط زیست در رسانه‌های دولتی (پنجم، م 189 الف)</p>		

مضامین پایه	مضامین سازمان دهنده	مضامین فراگیر
حمایت از تولید و عرضه محتوا و اطلاعات فارسی در محیط رایانه‌ای (چهارم، م 44 الف)	توسعه پایدار شهر و روستا	توسعه نظام آموزش همگانی
کسب سهم از بازار اطلاعات و ارتباطات بین‌المللی (چهارم، م 44 ب)	حضور در بازار اطلاعات و ارتباطات بین‌الملل	توسعه نظام حقوق ارتباطات
توسعه مراکز اطلاعاتی اینترنتی ملی و توسعه زیرساخت‌های ارتباطی با تکیه بر منابع و توان بخش‌های خصوصی و تعاونی (چهارم، م 44 ب)		
حضور بین‌المللی مطبوعات در عرصه‌های فرهنگی و هنری (چهارم، م 38 الف)		
تسهیل شرایط رقابتی و ضد انحصار توسعه اقتصادی شبکه‌ای و فناوری اطلاعات با رعایت حقوق شهروندان (چهارم، م 38 الف)	نظام حقوقی ارتباطات و رسانه، فرهنگ و هنر	
حقوق مؤلفان آثار فرهنگی، هنری و امنیت شغلی اصحاب فرهنگ و هنر (چهارم، م 38 الف)		
امنیت شغلی اصحاب فرهنگ و هنر و استقرار نظام صنفی بخش فرهنگ (چهارم، م 116 الف)		
نظام جامع حقوقی مطبوعات و رسانه‌ها و تبلیغات (چهارم، م 116 ب)		
بیمه بیکاری به مدت سه سال برای		

تحلیل مضمون مفاهیم ارتباطات و توسعه

مضامین پایه	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین فراگیر
اصحاب فرهنگ و هنر فاقد شغل (چهارم، م 116 ج)	نظام حقوقی ارتباطات و رسانه، فرهنگ و هنر	توسعه نظام حقوق ارتباطات
ارتقای سطح حفاظت از اطلاعات رایانه‌ای و امنیت فناوری‌ها (پنجم، م 231)		
ایمن‌سازی زیرساخت‌ها و حفظ امنیت تبادل اطلاعات در مقابل حملات الکترونیکی در چهارچوب سند امنیت فضای تبادل اطلاعات (افتا) (پنجم، م 231 الف)	حفظ امنیت فضای سایبر	
اجرای سامانه مدیریت اطلاعات دستورالعمل‌ها و استانداردهای «افتا» (پنجم، م 231 ب)		
گسترش فرهنگ حقوقی و قضایی، اصلاح رفتار حقوقی و قضایی مردم، نهادینه‌سازی فرهنگ قانون‌مداری (پنجم، م 211 د)		
پیشگیری از وقوع جرایم و کاهش دعاوی حقوقی (پنجم، م 211 د)	آموزش همگانی حقوق قضایی	
آموزش همگانی حقوقی قوه قضاییه از طریق صداوسیما (پنجم، م 211 د)		
آموزش همگانی حقوق شهروندی در خصوص امور مالیاتی، اداری، کار و تأمین اجتماعی، محیط زیست، بانکی، بیمه‌ای (پنجم، م 211 د)		

مضامین پایه	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین فراگیر
افزایش سرعت و کارایی در ارائه خدمات حقوقی و قضایی (پنجم، م 211 د)	آموزش همگانی حقوق قضایی	توسعه نظام حقوق ارتباطات
مدیریت پرونده‌های قضایی، راه‌اندازی مرکز ملی داده‌های قوه قضاییه (پنجم، م 211 ح)	توسعه سامانه‌های الکترونیکی قضایی	
تکمیل سامانه مدیریت امنیت اطلاعات (پنجم، م 211 ح 1)		
عرضه خدمات حقوقی الکترونیک به مردم (پنجم، م 211 ح 1)		
ارتباط بین مراجع قضایی و سایر نهادها مانند سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، سازمان زندان‌ها، راه‌اندازی سازمان پزشکی قانونی (پنجم، م 211 م)		
توسعه سامانه یکپارچه ثبت اسناد و املاک و راه‌اندازی مرکز ملی داده‌های ثبتی و الکترونیکی کردن کلیه مراحل ثبت معاملات (پنجم، م 211 م)	سامانه یکپارچه ارتباطات سازمان‌ها و نهادها	

نظریه تهرانیان ذیل پارادایم سوم سه نوع شاخص ارتباطی ارائه می‌دهد: نخست فرایند «توسعه ارتباطات» یا شاخص‌های کمی است که با فرایند «انباشت» در توسعه عمومی مشابهت دارد و به ابزارها و زیرساخت‌های ارتباطی می‌پردازد. «توسعه ارتباطات» به معنای گسترش ظرفیت مجاری نظام ارتباطی است. این دسته از شاخص‌ها، بیشترین توجه خود را بر میزان گسترش وسایل انتقال پیام متمرکز کرده‌اند و در زمینه مطبوعات، شاخص‌هایی مانند تیراژ و سطح پوشش آن‌ها در این گروه ارزیابی می‌شود (تهرانیان، 1985: 443-413).

دومین فرایند «توسعه به وسیله ارتباطات» یا شاخص‌های کیفی است که با فرایند بسیج اجتماعی،

تحلیل مضمون مفاهیم ارتباطات و توسعه

اقتصادی، سیاسی و فرهنگی در توسعه عمومی مشابهت دارد. این جنبه از توسعه ارتباطات با ارتقای سطوح آگاهی و انتظارات و اصرار بر افزایش رقابت‌ها و مشارکت‌های اجتماعی همراه است؛ بنابراین دولت‌ها یا گروه‌های مخالف از طریق وسایل ارتباط جمعی می‌کوشند به بخش‌های مختلف جامعه جهت دهند. «توسعه به وسیله ارتباطات» به معنای به‌کارگیری ظرفیت‌های مجاری ارتباطی در راستای ارائه خدمات اجتماعی است و برای توسعه و پیشبرد برنامه‌های گوناگون اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و آموزشی، ارتباطات به کار گرفته می‌شود؛ از این رو، در این دسته از شاخص‌های توسعه، بیشتر محتوا و مضمون پیام‌ها یا نرم‌افزارهای ارتباطی موردنظر است تا نحوه پوشش، تیراژ و سخت‌افزارهای رسانه‌ای (خانیک، 1381: 133).

سومین و مهم‌ترین این فرایندها که شاخص‌های بازنگری یا فرایند «توسعه برای ارتباطات» است، به‌نوعی با مرحله یکپارچگی اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی نسبت دارد. این وجه از توسعه، سیاستی را پیشنهاد می‌کند که براساس عنصری فراگیر و درون‌زا (مثل ایدئولوژی یا فرهنگ) بتواند ساختارها، هویت‌ها و علایق متفاوت و پراکنده را متحد و یگانه سازد؛ به عبارت دیگر، میزان «انسانی‌شدن» تحریک و مشارکت مرحله دوم را تأمین و تعیین می‌کند. از این نظر، سنجش جهت و نوع نظارت محتوای پیام‌ها در روند توسعه با از این دست شاخص‌های ارتباطی است. برای مثال در زمینه مطبوعات، جهت انتقادی و نوع نگرش آن‌ها به مقوله را نیز ارزیابی می‌کنند. در این فرایند بالابردن رشد فرهنگی از طریق بیان علایق و اندیشه‌های مختلف، گفت‌وگو و اقناع و در نهایت ساخت فرهنگ نقاد و ایجاد تعاون مبتنی بر تنوع، موردنظر است. البته روشن است که چون فرایندهای تاریخی توسعه از لحاظ ماهیت، کیفی هستند، ممکن است سطوح یکپارچگی یا عدم یکپارچگی اجتماعی از طریق روش‌های کمی و با آزمون‌های مناسب به‌خوبی سنجیده نشوند (خانیک، 1381: 133).

جدول شماره 2 به‌خوبی نشان می‌دهد برنامه‌های چهارم و پنجم توسعه با توجه به سه شاخص ارتباطی «چگونگی توسعه ارتباطات»، «چگونگی توسعه به‌وسیله ارتباطات» و «چگونگی توسعه برای ارتباطات» چه رویکردی را برگزیده‌اند و چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی دارند.



جدول شماره 2. مقایسه شاخص‌های ارتباطی در برنامه‌های چهارم و پنجم توسعه

برنامه پنجم	برنامه چهارم	
ایجاد شبکه‌ها و ارائه خدمات ارتباطی (پستی و مخابراتی) و فناوری اطلاعات	<ul style="list-style-type: none"> <li>- ایجاد تسهیلات زیربنایی اعم از ارتباطات، مخابرات</li> <li>- ایجاد تسهیلات مخابراتی بین شهری و شهری</li> </ul>	چگونگی توسعه ارتباطات
<ul style="list-style-type: none"> <li>- خدمات ملی و بین‌المللی بانکداری الکترونیکی</li> <li>- نرم‌افزارهای نوین اطلاعاتی</li> <li>- توسعه شبکه ملی اطلاعات</li> <li>- گسترش صنایع فضایی و ماهواره‌ای و مخابراتی</li> <li>- تقویت، حمایت و گسترش بنگاه‌های بازرگانی و تجاری</li> <li>- استفاده از اسناد اداری الکترونیکی</li> <li>- تکمیل پایگاه‌های اطلاعاتی و آرشیو اسناد و املاک کشور</li> <li>- توسعه پایگاه اطلاعات هویتی</li> <li>- سامانه اطلاعاتی سلامت شهروندان</li> <li>- دسترسی به برنامه‌های رسانه‌های همگانی</li> <li>- ترویج فرهنگ ملی، باورهای دینی و ارزش‌های ایرانی اسلامی</li> <li>- ارتقای فعالیت‌های رسانه‌ای و ارتباطی غیردولتی</li> <li>- فرصت‌های برابر آموزشی در مناطق محروم</li> <li>- تعامل با مراکز بین‌المللی آموزشی فرهنگی</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>- خدمات ملی و بین‌المللی بانکداری الکترونیکی</li> <li>- نوسازی حوزه علمی و فناوری و علوم انسانی</li> <li>- بازارهای مجازی تجاری</li> <li>- تقویت، حمایت و گسترش بنگاه‌های بازرگانی و تجاری</li> <li>- استفاده از اسناد اداری الکترونیکی</li> <li>- تکمیل پایگاه‌های اطلاعاتی و آرشیو اسناد و املاک کشور</li> <li>- ارتقای شبکه مخابراتی و پستی</li> <li>- تدوین ضوابط مشتری‌مداری</li> <li>- سامانه اطلاعاتی سلامت شهروندان</li> <li>- حضور در بازارهای تجارت جهانی فرهنگ و هنر</li> <li>- سیاست حمایتی - یارانه‌ای از فرهنگ</li> <li>- دسترسی به برنامه‌های رسانه‌های همگانی</li> <li>- ترویج فرهنگ ملی، باورهای دینی و ارزش‌های ایرانی اسلامی</li> <li>- ارتقای فعالیت‌های رسانه‌ای و ارتباطی</li> </ul>	چگونگی توسعه به‌وسیله ارتباطات

تحلیل مضمون مفاهیم ارتباطات و توسعه

برنامه پنجم	برنامه چهارم	
- توسعه پایدار شهر و روستا - حضور در بازار اطلاعات و ارتباطات بین الملل - حفظ و امنیت فضای سایبر - آموزش همگانی حقوق قضایی - توسعه سامانه‌های الکترونیکی قضایی - سامانه یکپارچه ارتباطات سازمان‌ها و نهادها - ایجاد زیرساخت‌های شبکه ملی اطلاعات	غیردولتی - فرصت‌های برابر آموزشی در مناطق محروم - توسعه پایدار شهر و روستا - حضور در بازار اطلاعات و ارتباطات بین الملل	چگونگی توسعه به‌وسیله ارتباطات
	- گسترش محصولات دانایی محور - نظام جامع حقوق مالکیت معنوی - نظام حقوقی ارتباطات و رسانه، فرهنگ و هنر	چگونگی توسعه برای ارتباطات

### 8. نتیجه گیری

حرکت در مسیر توسعه نیازمند درک تجارب تاریخی، ملی و الزام‌های جدید بازیگری در عرصه جهانی است. با قدم گذاشتن به فضای جامعه اطلاعاتی و در عصر اطلاعات و ارتباطات، قواعد بازی برای توسعه به شدت تغییر کرده و فرصت‌های بی‌مانندی برای جهش کشورهایی که در مراحل آغازین توسعه بودند، فراهم شده است. این نکته توجه به بُعد ارتباطات در سطح کلان و در برنامه‌های توسعه ملی کشورها را به‌عنوان یکی از عوامل این تغییر بسیار جدی می‌کند.

براساس یافته‌های این پژوهش، توجه به ارتباطات در برنامه‌های توسعه، فرایندی روبه‌رشد داشته است. رویکرد برنامه چهارم دستیابی به اقتصاد دانش‌بنیان از طریق استقرار زیرساخت‌های غیرفیزیکی و توجه به برنامه‌های بخشی بوده است. برنامه چهارم که نخستین برنامه در راستای چشم‌انداز بیست‌ساله نظام است، نگاه جامع‌تری به بخش ارتباطات و مسائل حقوقی و قانونی آن دارد. در این برنامه با توجه به تحولات جهانی و دستور توسعه قرن بیست‌ویکم که همان «توسعه جامعه اطلاعاتی» است، استقرار جامعه اطلاعاتی را در دستورکار قرار داده بود.

رویکرد برنامه پنجم توسعه که دومین گام برنامه چشم‌انداز بیست‌ساله نظام است، به توسعه ارتباطات رایانه‌ای توجه مبسوطی داشته اما رویکرد این برنامه بیشتر به افزایش خدمات‌رسانی دولتی محدود شده است. در زمینه توسعه به‌وسیله ارتباطات، توجه بیشتری به توسعه فرهنگ شده است. نتایج نشان می‌دهند در این دو برنامه توسعه، به ابعاد فنی و کمی ارتباطات بیشتر پرداخته شده است و جنبه‌های کیفی و محتوایی آن همچون آینده‌پژوهی، سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، رسانه‌های نوین، شبکه‌های اجتماعی، زندگی مجازی، آزادی کسب و انتشار اطلاعات و نیز حرکت به سمت جامعه اطلاعاتی و دانایی‌محور، کمتر مورد توجه قرار گرفته است؛ اگرچه در برنامه چهارم، در مقایسه با برنامه پنجم به‌صورت نسبی به زمینه‌های جدید ارتباطات پرداخته و اشاره شده است. این پژوهش با توجه یافته‌ها، ضرورت حضور حداکثری و هم‌جایی ارتباطات را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عناصر اصلی در توسعه، پیشنهاد می‌کند.

ازسوی‌دیگر، توجه به حوزه ارتباطات در برنامه‌های گذشته به‌صورت مجزا و بریده از یکدیگر بوده و ارتباط آن‌ها با یکدیگر و سایر قسمت‌های برنامه لحاظ نشده است؛ بنابراین در برنامه توسعه باید ابعاد توسعه ارتباطات، توسعه به‌وسیله ارتباطات و توسعه برای ارتباطات به‌صورت هم‌زمان و در ارتباط با هم و سایر ابعاد برنامه مورد توجه قرار گیرد.

در نظر گرفتن مقدمات سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی ارتباطی از راه انجام مطالعات نظری و عملی پیش از ورود به تصویب و تأسیس مواد برنامه براساس سیاست‌های کلی برنامه و سند‌های بالادستی در چهارچوب راه‌اندازی دفتر مطالعات مبانی و پیش‌نیازهای برنامه‌ریزی و پرداختن به سیاست‌های ارتباطی، ضرورت دارد تا با توجه به نیاز کشور در هریک از بخش‌ها و دورنمای آینده، استراتژی‌های لازم در این زمینه طراحی و تدوین شود.

در حال حاضر لازم است با توجه به ضرورت‌های بومی کشور، اسناد توسعه پایدار جهانی، ظهور جامعه اطلاعاتی و پیشرفت فناوری‌ها و رسانه‌های جدید، سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های نوینی صورت پذیرد و با استفاده از تجربه برنامه‌های گذشته و کشورهای دیگر، با رویکردی جامع و یکپارچه و نگاهی فرابخشی به ارتباطات در توسعه پرداخته شود و ضمن نگاه به اسناد بالادستی و با نگاه انتقادی، قدمی در راستای تبیین نقش ارتباطات در تدوین برنامه‌های توسعه برداشته شود تا در برنامه‌ریزی‌های نوین با نگاه به درون کشور و براساس شاخص‌های هویت ایرانی اسلامی، توجه

صحیح‌تر و بنیادی‌تری به برنامه‌ریزی و سامان‌دهی نقش ارتباطات صورت گیرد. اهمیت بحث تعریف توسعه در تدوین برنامه‌ها و آسیب‌های ناشی از آن، لزوم توجه به تعریف دقیق این مفهوم و ابعاد آن را با اهمیت جلوه می‌دهد؛ حال آنکه در هیچ‌کدام از برنامه‌های توسعه، تعریف دقیق و فراگیری از توسعه ارائه نشده است. براساس پارادایم‌های بیان‌شده که بر نسبت میان ارتباطات و توسعه تأکید می‌کنند، پارادایم سوم در مقایسه با دو پارادایم پیشین از نظر تاریخی از تنوع، تکثر و حتی تعارض بیشتری در قیاس با دو پارادایم خوش‌بینانه و انتقادی توسعه‌ای در درون خود روبه‌روست و به لحاظ نظری در شکل‌گیری پارادایمی که در عین فهم زیسته این مفهوم در دنیا و با توجه به بوم فرهنگی خودمان شکل خواهد گرفت، نزدیک‌تر خواهد بود.

## فهرست منابع

- ازکیا، مصطفی؛ غفاری، غلامرضا (1381)، جامعه‌شناسی توسعه، تهران: کلمه.
- استوا، گ. و دیگران (1377)، نگاهی نوبه مفاهیم توسعه، ترجمه فریده فرهی و وحید بزرگی، تهران: مرکز.
- تهرانیان، مجید (1355)، گزارش کمیته اطلاعات و ارتباطات جمعی، برنامه ششم، پیش‌نویس (2)، تهران.
- تودارو، مایکل (1370)، توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه غلامعلی فرجادی، تهران: سازمان برنامه و بودجه.
- جرالددام، مایر دادلی سیرز (1368)، پیشگامان توسعه، ترجمه سید علی‌اصغر هدایتی و علی یاسری، تهران: سمت.
- خانیک، هادی (1384 الف)، «بنیان‌های مطالعات ارتباطات و توسعه ملی در ایران»، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره 28 و 29، 56-7.
- خانیک، هادی و شاه‌قاسمی، زهره (1394)، «تحول مفهومی «ارتباطات» و «توسعه» در برنامه‌های توسعه ایران؛ مطالعه موردی آخرین برنامه توسعه نظام گذشته (1355) و نخستین برنامه توسعه سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران (1383)»، مجله مطالعات توسعه اجتماعی - فرهنگی، دوره چهارم، شماره 3، زمستان 1394، صص 83-110.
- خانیک، هادی (1381)، قدرت، جامعه مدنی و مطبوعات، تهران: طرح نو.
- خانیک، هادی (1384 ب)، «ارتباطات توسعه؛ کاوشی در تعاریف «مسئله بنیاد»، فصلنامه رسانه، شماره 64، 159-143.
- دادگران، سید محمد (1374)، مبانی ارتباطات جمعی، تهران: فیروزه.
- رهبر، محمدتقی (1371)، پژوهشی در تبلیغ، تهران: مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی.
- زاکس، اینانسی (1373)، بوم‌شناسی و فلسفه توسعه، ترجمه سید حمید نوحی، تهران: مؤسسه فرهنگی کیان.
- ساروخانی، باقر (1367)، جامعه‌شناسی ارتباطات، تهران: اطلاعات.
- سازمان برنامه و بودجه (1383)، قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (1384-1388).

سازمان برنامه و بودجه (1389)، قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (1390-1394).

سرواس، جان (1384 الف)، «دگرگونی در نظریه‌های ارتباطات و توسعه»، ترجمه علیرضا حسینی پاکدهی، فصلنامه رسانه، شماره 16.

سرواس، جان (1384 ب)، «به سوی رویکرد جدید ارتباطات و توسعه»، ترجمه پیروز ایزدی، فصلنامه رسانه، شماره 16.

سن، آمارتیا (1382)، توسعه به مثابه آزادی، ترجمه وحید محمودی، تهران: انتشارات دانشکده مدیریت دانشگاه تهران.

شاه‌قاسمی، زهره؛ فرقانی، محمدمهدی و خانیکی، هادی (1395)، «مطالعه رویکرد برنامه‌های توسعه در ایران»، فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگ و ارتباطات، سال ششم، شماره 20، پاییز 1389، صص 182-147.

شیخ‌زاده، محمد؛ فقیهی، ابوالحسن؛ تسلیم، محمدمسعود و عابدی جعفری، حسن (1390)، «تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی»، فصلنامه اندیشه مدیریت راهبردی، شماره 10، صص 198-151.

عبری، موسی؛ ملاکی، احمد (1390)، «بررسی آثار اجتماعی قطب‌های رشد صنعتی بر توسعه پایدار محلی (مطالعه موردی قطب رشد صنعتی عسلویه)»، نشریه توسعه محلی (روستایی - شهری)، شماره 3.

فرقانی، محمدمهدی (1382)، راه دراز گذار، تحول گفتمان توسعه سیاسی در ایران، تهران: فرهنگ و اندیشه.

فرقانی، محمدمهدی (1393)، مجموعه مقالات روزنامه‌نگاری، ارتباطات و جامعه، تهران: اطلاعات.

گولت، دنیس (1377)، «توسعه، آفریننده و مخرب ارزش‌ها»، برنامه و توسعه، شماره 10، صص 71-70.

محمسنیان‌راد، مهدی (1380)، ارتباط‌شناسی؛ ارتباطات انسانی (میان‌فردی، گروهی، جمعی)، تهران: سروش.

محمدپور، احمد (1392)، روش تحقیق کیفی؛ ضد روش 1، تهران: جامعه‌شناسان.

معمدنژاد، کاظم (1380)، «سیری در تحول مطالعات ارتباطاتی»، در: مهدی محسنیان‌راد، ارتباط‌شناسی، تهران: سروش.

مک کوپل، دنیس (1382)، درآمدی بر نظریه ارتباطات جمعی، ترجمه پرویز اجاللی، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.

مک‌براید، شن (1389)، یک جهان چندین صدا: ارتباطات در جامعه امروز و فردا، ترجمه ایرج پاد، تهران: سروش.

مولانا، حمید (1371)، گذر از نوگرایی، ترجمه یونس شکرخواه، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.  
نونژاد، مسعود (1381)، اقتصاد توسعه، شیراز: کوشا مهر.

الوانی، سیدمهدی (1389)، مدیریت توسعه، تهران: صفار.

یسو، آلون (1388)، تغییر اجتماعی و توسعه: مروری بر نظریات نوسازی، وابستگی و نظام جهانی، ترجمه محمود حبیبی‌مظاهری، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

Anderson, R. (2007), *Thematic Content Analysis (TCA): Descriptive Presentation of Qualitative Data*, Institute of Transpersonal Psychology, Retrived from <http://www.wellknowingconsulting.org/publications/pdfs/ThematicContentAnalysis.pdf>

Attride-Stirling, J. (2001), "Thematic networks: An analytic tool for qualitative research", *Qualitative Research*, 1, 385-405

Braun, V. & Clarke, V. (2006), "Using thematic analysis in psychology", *Qualitative Research in Psychology*, Vol. 3, No. 2, Kingdom: AltaMira Press.

Namey, E., Guest, G., Thairu, L. & Johnson, L. (2007), "Data Reduction Techniques for Large Qualitative Data Sets", In Guest G. & MacQueen K. M. (Eds.), *Handbook For Team-Based Qualitative Research*, pp. 137-161, Publisher: AltaMira Press.

Servaes, J. (1989), "Shifts in Development and Communication Theory with a Brief Discussion of its Communication Policy and Planning Consequences", *Progress in Communication Vciences*, 209 (59), pp. 51-58.

Tehrani, M. (1985), "Communication development indicators", in Middleton, John & Wedemeyer, Dan. J. (eds), *Methods of communications Planning*, UNESCO, Paris.

# ریکلووی اسلید پروگرام